بنابراین مرا گواه نگیر؛ چرا که من بر ظلم گواهی نمی دهم

از نعمان بن بشیر رضی الله عنهما روایت است که می گوید: مادرش، بنت رواحه، از نزد پدرش از مالش برای پسرش هدیه ای خواست، بر آن یک سال گذشت سپس به نظرش رسید، و گفت: تا رسول الله صلی الله علیه وسلم را گواه نگیری، من راضی نخواهم شد، پس پدرم از دستم گرفت در حالی من خورد سال بودم، نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفت و گفت: یا رسول الله، مادر این پسر که دختر رواحه است دوست دارد تا شما را گواه بگیرد بر این که من برای پسرش هدیه ای داده ام، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم به او فرمودند: ؟ای بشیر، آیا بجز این پسر دیگری هم دارید؟ گفت: بلی، پس فرمودند: برای هر یک از فرزندانت این گونه هدیه داده ای؟ گفت: نخیر، فرمودند: «آیا با سایر فرزندانت نیز چنین رفتار کرده ای؟»، گفت: نخیر، فرمودند: «بنابراین مرا گواه نگیر؛ چرا که من بر ظلم گواهی نمی دهم»، و در لفظ مسلم آمده که می فرمایند: «کسی دیگر را در این مورد گواه بگیر».

[صحیح] [متفق علیه، وله ألفاظ عدیدة]

نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت می کند که مادرش عمره بنت رواحه رضی الله عنها از پدرش برای پسرش هدیه ای خواست، اما او درنگ کرد و مدتی آن را به تأخیر انداخت، یک سال پس به نظرش آمد که به درخواست او پاسخ دهد و برای پسرش نعمان هدیه بدهد، پس گفت: من راضی نمی شوم تا اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم به آنچه به فرزندم داده ای گواه باشد، پدرم دست من را گرفت در حالی که من در آن زمان کودک بودم، پس نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: ای رسول الله، مادر این پسر که دختر رواحه است، دوست دارد که شما را به آنچه به پسرش داده ام گواه بگیرد، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ای بشیر، آیا فرزندی غیر از این دارید؟ گفت: بلی. پس برایش گفت: برای هم آنان همچو هدیه داده اید؟ گفت: نخیر. فرمودند: پس مرا گواه مگیر، چون من به ظلم و ستم گواهی نمی دهم. و در روایت مسلم از روی توبیخ براش فرمودند: کسی دیگری را بر این ظلم گواه بگیر.

http://www.sunnah.global/hadeeth/prs/show/6035